

نگاهی به تصمیم اجلاس سازمان

همکاری اسلامی

امیرفیض- حقوقدان

بطوریکه استحضاردارید سران سازمان همکاری کشورهای اسلامی در پایان اجلاس، بیانیه ای داده اند که در آن بیانیه جمهوری اسلامی محکوم شده و وزارت خارجه آن به بیانیه مزبور معترض و به مناسبت اعتراض، در اجلاس پایانی سازمان هم مشارکت نداشته اند.

این تحریرقاصد است تا درباره علت محکومیت ایران و نیز اعتراض ایران نگاه مشترکی با خوانندگان محترم داشته باشد.

توجه مهم = اهمیت این توضیح لازم ساخت که قبل از آغازتحریر توجه زبردرمعرض یاد آوری مجدد و مکرر قرارگیرد:

برسم ادبیات حقوق بین الملل، نام ایران در بیانیه سران اجلاس همکاری اسلامی ذکر شده است و الا ایران یک هویت تاریخی و جغرافیایی است و واجد شخصیت حقوقی نمیباشد و آنکه عضو سازمان همکاری اسلامی است، نظامی است که با هویت سیاسی، بنام جمهوری اسلامی بر ایران حکومت دارد و لاجرم بیانیه میبایست بجای ایران از جمهوری اسلامی نام میبرد.

از آنجا که تسلط جمهوری اسلامی برکشور ایران تسلطی غاصبانه و فاقد مشروعیت است، لذا بیانیه مزبور تاثیری در حقوق ملی ایرانیان ندارد (پایان توجه مهم)

مبانی تصمیم اجلاس

آنطور که در بیانیه اجلاس آمده، مبانی تصمیم اجلاس بر محکومیت جمهوری اسلامی بر دوپایه است:

پایه نخست - اتهام تهاجم به سفارت عربستان در تهران و نیز اعتراض تحریک آمیز نسبت به اعدام یکی از رهبران شیعه عربستان بنام شیخ نمر.

اتهام جمهوری اسلامی در رابطه با تهاجم به سفارت عربستان کاملا وارد و صادقانه است به دلایل زیر:

شهادت عامل تهاجم به سفارت عربستان

آقای کرد میهن، روحانی معروفی است که مدیریت سه موسسه فرهنگی ایران بنام موسسه فرهنگی دین، نور معرفت در کرج - موسسه فرهنگی دینی بهشت در تهران و موسسه علمیه امام محمد باقر را بعهده دارد و بودجه های سنگینی نیز به فعالیت او تخصیص داده شده است علاوه بر آن سازماندهی هیئت الرضا را در کرج و سیده زینب در تهران با اوست است که هر دو از تشکل های بسیجی است و نیز او در زمره اعزام شدگان به سوریه هم میباشد، شاهد موضوع است.

اکنون که با شخصیت شاهد آشنا شدیم به شهادت او ناظر میشویم او در دفاع و مسئله حمله به سفارت عربستان در تهران گفته است:

> همیشه حرف آقا راز و درماتوجه میشده و اضافه کرد که انتظار نداریم که آقا در این فضای بین المللی این کار را تائید کنند ولی تقبیح نکردند <

عامل حمله به سفارت عربستان ضمن قبول توجه عمل آنرا به خود، به خواست و منویات خامنه ای نسبت داده و به تهاجم به سفارت عربستان اقرار میکند. ولی در عین حال رعایت موضع خامنه ای را هم فراموش نمیکند و این نوعی وفاداری مامور به امر تلقی میگردد و عنوان حقوقی آن معاونت خامنه ای در تهاجم به سفارت عربستان میباشد.

رادیو فردا در رابطه با حمله حسن کرد میهن به سفارت عربستان گفت: <آقای خامنه ای دریکی از سخنرانی های خود با اشاره به حمله به سفارت عربستان صریحا از جوانان حزب الهی دفاع کرد و اضافه کرد که نباید همه کارها را به این جوانان نسبت داد.

همین خامنه ای وقتی مسئله حمله به سفارت دامنه بین المللی پیدا کرد در صحبت با دست اندرکاران انتخابات گفت: <به صرف اینکه قضیه ای مانند سفارت عربستان و انگلستان پیش بیاید که کاری بسیار بد و به ضرر اسلام است این را بهانه نکنند که جوانان مومن را مورد تهاجم قرار دهند.>

این عقب نشینی و غلط کردم تا آنجا رسوا کننده بود که کسانی نوشتند <انکار رهبری برای اپوزیسیون نان نمیشود.>

شاهد دیگر

آقای محمد رضامحسینی ثانی رئیس کمیته امنیت کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، شاهد توجه فعل حمله به سفارت به کرد میهن است او با تائید نقش حسن کرد میهن در حمله به سفارت عربستان اعلام کرد <آقای کرد میهن که برای مدتی در کشور سوریه بسر میبرد پس از ورود به تهران توسط مقامات امنیتی در فرودگاه دستگیر شد.>

شاهد دیگر

شاهد دیگر فرزندان (شاهد آیت الله همت) است که به روحانی نوشته است؛ من بودم که اولین کوکتل مولوتف را از شیشه به داخل سفارت پرتاب کردم (ششم بهمن ۹۴)

نتیجه اینکه

نظریه شهادت شهود و اقرار مرتکبین حمله به سفارت عربستان و نظریه پس آمد های سفارت و اظهارات سخیف و قهرآلود متصدیان غاصب جمهوری اسلامی بجای عذرخواهی و اعلام آمادگی جبران خسارت و نظر به مسئولیت بین المللی جمهوری اسلامی در حفظ امنیت سفارتخانه های خارجی در ایران و مسائل تابعه، میتوان گفت که ایراد اجلاس سران کشورهای اسلامی نسبت به تهاجم به سفارت وارد است.

پایه دوم بیانه

پایه دوم بیانه، اعتراض به دخالت جمهوری اسلامی در امور کشورهای است این مورد در موقعیت تکذیب جمهوری اسلامی در اجلاس مزبور قرار نگرفته و نمیتوانسته هم قرار بگیرد زیرا علاوه بر آنکه امر مزبور بصورت تکلیف قانونی دولت اسلامی ایران در قانون اساسی آن جمهوری پیاده شده، شخص سیدعلی خامنه ای نیز بارها از جمله یک هفته قبل از تشکیل اجلاس سران کشورهای اسلامی گفت <آمریکا میخواهد که ما به کشورهای یمن، سوریه، سودان و حزب الله و حماس کمک نکنیم و این غیرممکن است و ما بهر نهضت اسلامی علیه استکبار کمک خواهیم کرد.>

دفاع آقای ظریف بنماینده جمهوری اسلامی اینجور بود <گنجاندن ۴ بند ضد ایرانی و یک بند ضد حزب الله در پیش نویس بیانه پایانی را برخلاف روح همبستگی اسلامی و در راستای منافع اسرائیل دانست> همین و همین.

سقوط حق اعتراض

علیرغم اینکه دخالت جمهوری اسلامی مورد تائید مسئولان غاصب جمهوری اسلامی میباشد، و علیرغم اینکه دفاع جامعی از طرف ظریف عنوان نشده و استناد او به روح همبستگی بسیار، بسیار حرف بردار و از مواردی نیست که در حقوق بین الملل قابل استناد باشد، و علیرغم اینکه دخالت جمهوری اسلامی در کشورهای از جمله سومالی و یمن با دلایل عینی از قبیل توقیف کشتی های حامل سلاح همراه است، مع هذا اعتراض سازمان همکاری اسلامی نسبت به مداخله جمهوری اسلامی در کشورهای قابل قبول نیست زیر:

← جمهوری اسلامی با همین قانون اساسی که صدور انقلاب اسلامی رابه کشورها دیگر تکلیف قانونی دولت و از حقوق ثابت جمهوری اسلامی و اجرای آنرا در وظیفه سپاه پاسداران میداند، به عضویت سازمان مزبور درآمده است و ایراد به عمل جمهوری اسلامی با توجه به اینکه خارج از حد مصوبه قانون اساسی جمهوری اسلامی نیست وارد نخواهد بود زیرا سازمان علم داشته است که جمهوری اسلامی بموجب قانون اساسی اش برای خود حق مداخله در امور کشورهای بمنظور صدور انقلاب را قائل است.

مثال مورد، همانند آن است که کلویی برای عضویت خانواده ها یعنی مردان و زنان متاهل تشکیل میشود و عده ای هم عضو دارد (در تشبیه سازمان کشورهای اسلامی) یک شخصی که متاهل نیست و در کارنامه اخلاقی و کیفری او هم نوشته شده که آن شخص سابقه تجاوز به زنان شوهر دار را دارد (در تشبیه جمهوری اسلامی که سابقه و تکلیف دخالت در امور کشورهای را دارد) اگر عضویت آن کلوپ درآمد و بعضی از تجاوزات و دخالت در امور خانواده هار متکب شد، کلوپ مزبور نمیتواند به آن شخص متجاوز (جمهوری اسلامی) اعتراض کند بلکه اعتراض متوجه کلوپ (سازمان کشورهای اسلامی) است که جمهوری اسلامی را با آن سابقه و قانون اساسی به عضویت سازمان در آورده است و اینطور میتوان نتیجه گرفت که تمام کشورهای اسلامی عضو سازمان مذکور حق دارند به بی احتیاطی و بی تدبیری مسئولین آن سازمان اعتراض نمایند.

← **عضویت جمهوری اسلامی در سازمان مزبور به معنای عضویت ایران با هویت جغرافیایی و تاریخی آن نیست و حتما به معنای عضویت شخصیت حقوقی و سیاسی نظامی است که بنام جمهوری اسلامی برکشور ایران حکومت میکند.**

بنابراین یگانه سند معتبر در معرفی ماهیت و آرمان و تعهدات جمهوری اسلامی همان قانون اساسی جمهوری اسلامی است و آن بدان معناست که اولاً معرف جمهوری اسلامی همان قانون اساسی است و ثانیاً هر کس میخواهد با جمهوری اسلامی رابطه سیاسی و حقوقی داشته باشد از جمله عضویت در سازمان های سیاسی و حقوقی (سازمان کشورهای اسلامی) باید با توجه به اسناد حقوقی جمهوری اسلامی یعنی قانون اساسی آن اقدام کند و خارج از حق و حقوق مندرج در قانون اساسی نمیشود جمهوری اسلامی را متحمل تصمیمات و اقداماتی نمود و در تطبیق مورد سازمان کشورهای اسلامی نمیتواند از جمهوری اسلامی خواستار توقف اقدامات دخالت آمیز در امور کشورها و یا کمک به فعالیت ها تروریستی بشود.

مثالی آورده شود بجاست - کسی خانه ای رامیخرد با حق ارتفاقی که برای مالک مجاور مقرر شده و درسند هم قید گردیده، خریدار بعد از خرید خانه به استفاده همسایه از حق ارتفاق اعتراض میکند. پرواضح است که اعتراض مزبور همانقدر بی ربط است که اعتراض سازمان کشورها به مداخله جمهوری اسلامی در امور کشورها فاقد وجهت حقوقی است.

← **سازمان کشورهای اسلامی یک پایگاه حقوقی بین المللی است که بعد از سازمان ملل متحد واجد موقعیت بین المللی است ۵۷ کشور عضو آن است رئیس و تشکیلات دارد منشور دارد و در سال ۱۹۶۵ تشکیل شده است.**

شرائط عضویت در سازمان کشورهای اسلامی

بموجب اساسنامه سازمان کشورهای اسلامی، وجود دوش شرط و یا صفت اصلی لازمه عضویت کشورها در آن سازمان است.

۱- وجه مشترک های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی.

۲- نقطه اشتراک دینی و اعتقادی کشورها.

با توجه به دوش شرط عضویت در سازمان مزبور می بینیم که جمهوری اسلامی شامل هیچیک از شروط دوگانه نبوده و نمیتوانسته عضو سازمان مذکور باشد. این تحریر دلایلش را مقتضای تقدیم است.

← **شرط وجه مشترک**

صدور انقلاب اسلامی به کشورهای دیگر جهان که مسلماً با تبعات کمک به تروریستها و اقدامات خشنونت آمیز و دخالت در امور کشورها همراه است وجه مشترکی نیست که همه و یا تعدادی از کشورهای مسلمان عضو سازمان از آن تبعیت نمایند. حتی به جرات میتوان گفت که هیچ کشور اسلامی عضو سازمان با آنچه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی در صدور انقلاب و حفظ حالت جنگ و خصومت با کشورهای جهان قید شده وجه مشترکی ندارند در این صورت جمهوری اسلامی نمیتواند در گروه وجه مشترکی که آن جمهوری از آن منتزع است عضویت داشته باشد.

← اشتراک در اعتقادات دینی

شرط دوم عضویت در سازمان کشورهای اسلامی داشتن نقطه اشتراک در اعتقادات دینی است. بروشنی هویداست که جمهوری اسلامی که قانون اساسی آن بر اصول مذهب تشیع جاری است با اعتقادات دینی اکثریت کشورهای عضو سازمان که تسنن هستند نه تنها مشترک نیست که بسیار هم متضاد است و اساساً مذهب شیعه بعنوان پیروان رافضی یعنی جدانشده از اسلام از طرف همان کشورهای عضو سازمان شناخته میشوند.

این تحریر مایل نیست که وارد تفاوت بین اعتقادات دینی جمهوری اسلامی پیرو مذهب تشیع و کشورهای اهل سنت که عضویت سازمان را دارند بشود که تحریر را دنبال دار خواهد کرد؛ فقط این دو اشاره کافی است:

۱- شیعه (جمهوری اسلامی) حتی به اصول دین اسلام هم که سه اصل است باور ندارد و دو اصل امامت و عدل را خودسرانه به آن اضافه کرده و این الحاق، جعل در دین و شرک به خداست و اگر مسلمانی حق داشته باشد که دواصل به اصول دین اضافه کند چرا حق نداشته باشد دواصل هم کم کند مثلاً منکر اصل توحید شود. آیا این سیاق اعتقادی جمهوری اسلامی را میتوان عنوان هماهنگی و اشتراک اعتقادات دینی کشورها عضو سازمان با جمهوری اسلامی دانست؟

۲- در قانون اساسی جمهوری اسلامی حق حاکمیت از مردم ایران سلب شده است و چنین سلب حقی در همه قوانین کشورهای عضو سازمان منظور نگردیده (در قانون اساسی کویت صریحاً حق حاکمیت از آن مردم شناخته شده است).

در اینصورت علاوه بر عدم اشتراک و نبود هماهنگی در اصول دینی بین جمهوری اسلامی و کشورهای عضو سازمان، از نظر حقوق دمکراتیکی و حقوق بشر هم هماهنگی در اصول حقوقی جمهوری اسلامی و سایر کشورهای عضو سازمان وجود ندارد لذا جمهوری اسلامی اساساً نمیتوانسته و نمیتواند عضو سازمان مزبور شناخته شود.